

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 1, Spring 2022, 381-399
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.35181.2152

A Critique on the book **"*Everyday Life of the Urban Precariat*"**

Baharak Mahmoodi*

Abbas Varij Kazemi**

Abstract

This article has been written with the aim of critical study on the book "Everyday Life of Urban Precariat (2013-2011)" written by Alireza Sadeghi. This book is considered as a collection of works written in the theoretical-methodological tradition of Bayat and according to the author, it is readable in the continuation of Bayat's book "Street Policies" which was written in 1997. The results of this critical study show that although the information and evidence presented in the book, which has been analyzed in an ethnographic manner, indicate the depth and breadth of this research, the fact is that the book is one of its original examples of "street politics". He has not stepped beyond. Also, showing the negligence and insignificance of the role of the poor in reproducing the inferiority situation and urban irregularities is a point that can be seen in the design and summary of the present book.

Keywords: Everyday Life, The Urban Precariat, The City, The Resistance, Neoliberalism.

* Assistant Professor, Department of Journalism, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,
(Corresponding Author) Baharak.mahmoodi@atu.ac.ir

** Associate professor, Department of Cultural Studies, Institute for Cultural and Social Studies,
Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran, AV3kazemi@gmail.com

Date received: 01/11/2021, Date of acceptance: 26/02/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقدی بر کتاب زندگی روزمره تهی‌دستان شهری تطهیر تهی‌دستی

بهارک محمودی*

عباس وریج کاظمی**

چکیده

این مقاله با هدف مطالعه‌ای انتقادی بر کتاب «زندگی روزمره تهی‌دستان شهری» (۱۳۹۰ - ۱۳۹۲) نوشته علیرضا صادقی نوشته شده است. کتابی که حاصل پژوهش مقطع دکترای نویسنده است و اولین چاپ آن به پاییز ۱۳۹۷ بازمی‌گردد. این کتاب از مجموعه آثاری به‌شمار می‌رود که در سنت نظری-روشی آصف بیات نوشته شده و به گفته نویسنده در ادامه کتاب «سیاست‌های خیابانی» بیات که در سال ۱۹۹۷ میلادی نوشته شده، خوانش‌پذیر می‌شود. در این نوشته تلاش کرده‌ایم با رویکردی توصیفی-تحلیلی به نقد ساختاری و محتوایی کتاب حاضر بپردازیم. حاصل اینکه کتاب به لحاظ ساختاری، وفادار به اصول پژوهشی است و حاوی نتایجی بسیار مهم در شناخت تهی‌دستان شهری در دهه ۹۰. اما با این حال، نتایج حاصل از این مطالعه انتقادی نشان می‌دهد که هرچند اطلاعات و شواهد ارائه شده در کتاب که با روشی مردم‌نگارانه تحلیل شده‌اند، حکایت از عمق و ابعاد گسترده انجام این تحقیق دارند، اما واقعیت این است که کتاب از نمونه اصلی خود یعنی «سیاست‌های خیابانی» پافراتر نگذاشته است. همچنین بی‌توجهی و

* استادیار روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)،

Baharak.mahmoodi@atu.ac.ir

** دانشیار، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، AV3kazemi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷



کم‌رنگ نشان‌دادن نقش تهی‌دستان در بازتولید موقعیت فرودستی و بی‌نظمی‌های شهری نکته‌ای است که در طراحی و جمع‌بندی کتاب حاضر به چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: زندگی روزمره، تهی‌دستان، تهی‌دستان شهری، شهر، مقاومت، نولیبرالیسم

۱. مقدمه

مطالعات فرودستی در ایران از پیشینه‌ای چندین طولانی برخوردار نیست، پیشینه‌ای که تلاش می‌کند تاریخ را نه از بالا که از نگاه طبقات پایین جامعه روایت کند. از این روست که مطالعه علیرضا صادقی، درباره شیوه‌های زیست روزمره تهی‌دستان شهری و تاکتیک‌های تاب‌آوری آنها در شهرهای نولیبرال امروزی ضروری به نظر می‌رسد. البته هم‌چنان که نویسنده نیز بیان می‌کند این کتاب را باید در ادامه کتاب «سیاست‌های خیابانی» نوشته آصف بیات مطالعه کرد. از این رو کتاب تصویری متفاوت از جامعه ایران بعد از سه دهه از مطالعه بیات در اختیار ما قرار می‌دهد. بیات جنبش تهی‌دستان شهری را درست در آستانه انقلاب هدف مطالعه خود قرار می‌دهد که چگونه در عین بی‌توجهی فضای رسمی به تصرف خیابان‌ها، هتل‌ها و ساختمان‌ها پرداختند و جایی برای خود در زندگی شهری باز کردند. با این حال در دهه هفتاد و هشتاد موضوع تهی‌دستان شهری در حاشیه مطالعات اجتماعی در ایران قرار داشت.

در دهه نود موضوع فرودستی و تهی‌دستان شهری تا اندازه زیادی مورد توجه پژوهش‌گران جوان قرار داشته است به گونه‌ای که به تدریج در حال تبدیل شدن به الگوی مسلط در مطالعات علوم اجتماعی است. برای مثال «تجربه روزمره کارگران میدان میوه تره‌بار» (۱۳۹۳) و همین‌طور مطالعه مربوط به «زندگی کارگران پروژه ای در جنوب» (۱۳۹۴) و همچنین کتاب «در تقاطع سنت، فقر و جنسیت» (۱۳۹۸) که به زندگی زنان کارگر در جنوب شهر تهران پرداخته و همچنین مطالعه سپیده سالاروند (۱۳۹۹) که زندگی کودکان کار افغانی در ایران را مورد توجه قرار داده‌است.

فارغ از این کارها، پژوهش‌های دیگری هم هستند که در این سال‌ها هر یک از زاویه‌ای به مطالعه گروه‌های فرودست در جامعه پرداخته‌اند. از جمله مطالعه شهرام‌نیا، کوراوند و ده‌چشمه که در سال ۱۳۹۹ با نگاهی تاریخی به نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد مهم تاریخی ایران پرداخته‌اند و همچنین فتاحی‌زاده و عبداللهی که در

سال ۱۳۹۸ به مسئله عاملیت سیاسی فرودستان در تاریخ فرهنگی ایران پرداخته‌اند. مریم ایشاری و علی شجاعی زند به زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری زیست غیر رسمی زباله‌گردی در تهران پرداخته‌اند (۱۳۹۹) و محمد غزنویان در اثری با عنوان «تأملاتی درباره خارج از محدوده» (۱۳۹۵) تلاش کرده با پرداختن به موضوع حاشیه‌نشینی، روایتی از محذوفان شهری ارائه داده و به قول خودش آنها را از حاشیه به متن بیاورد. اما نکته این‌جاست که می‌توان مطالعه حاضر را در امتداد نقد به گسترش شهر نولیبرال فهم کرد شهری که منطق بازار در آن بر اولویتهای فردی قرار می‌گیرد. نویسنده با مطالعه زندگی روزمره تهی‌دستان در واقع بر صورت‌بندی‌های جدید از شهر نولیبرال در دهه ۹۰ نقد وارد می‌کند.

۲. مروری بر فصول کتاب

کتاب به نویسندگی علیرضا صادقی در هفت فصل نوشته شده‌است. این کتاب که برگرفته از رساله دکتری نویسنده به شمار می‌رود به گفته او با انجام بازنگری و افزودن مطالب جدید به متن رساله توسط انتشارات آگاه در دویست و هشتاد و چهار صفحه به چاپ رسیده است.

نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند نشان دهد که: «زندگی تهی‌دستان شهری پویاتر و پیچیده‌تر از آن است که با ترمینولوژی دو وجهی تسلیم یا خیزش اعتراضی تحلیل و داوری شود (ص ۱۰)». چرا که او معتقد است این گروه اگر چه از ابزار مدنی و قانونی کافی برای دفاع از منافع خود برخوردار نیست اما به این دلیل نمی‌توان آنها را پذیرندگان منفعل فرامین بالادستان قلمداد کرد. تلاش این کتاب نشان دادن این نکته است که تهی‌دستان: به نحوی منعطف و متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه در برابر «سیه‌روزی برنامه‌ریزی شده» مقاومت می‌کنند و با استفاده از استراتژی‌ها و روش‌هایی در زندگی روزمره‌شان نقش خود را بر تغییرات وسیع حک کرده‌اند (همان صفحه).»

از پایین، استراتژی‌ها و شیوه‌های عمل تهی‌دستان را برای ادامه بقا و بهبود بخشیدن به زندگی‌شان (ص ۱۰).» را روایت کرده و نشان دهد که هر چند تلاش‌های این گروه کوچک و پیش‌پا افتاده به نظر می‌رسد اما منجر به تغییرات اجتماعی بزرگ‌تری خواهد شد.

در فصل نخست این کتاب به توضیح برخی از مفاهیم اصلی مربوط به موضوع پرداخته شده است. مفاهیمی چون «نولیبرالیسم»، «سیاست تهی‌دستان شهری» و «عمل روزمره» که نویسنده سعی کرده است این مفاهیم را با در نظر گرفتن مطالعات رایج در این باره بسط و توضیح دهد. در این فصل که با عنوان «نظریه و روش» آمده است شهر نولیبرال شهری «بازار محور» توصیف شده که با منطق بازار شکل گرفته و ربط چندانی به نیازهای ساکنانش ندارد، آنچه مهم است «منافع فردی یا شرکتی» است نه «دغدغه‌های عمومی». علاوه بر این‌ها این شهرها با مقررات زدایی و خصوصی شدن فرایندهای تولید تعریف می‌شوند و نکته اینجاست که در این کتاب نولیبرالیسم ایرانی در پیوند با میراث ریشه‌دار پوپولیسم در این کشور توضیح داده می‌شود، میراثی که به گفته نویسنده مطالعه آن با الهام گرفتن از آثار متفکرانی چون فوران، بیات، مقدم و آبراهمیان به بحث و نظر گذاشته شده است (ص ۱۶-۱۳):

می‌خواهم نشان دهم که پس از جنگ «پوپولیسم جهان سومی»، تحت الشعاع تجدید ساختار سرمایه‌داری، چگونه جای خود را به پوپولیسم نولیبرال داد پروژه‌ای که با بازاری کردن قلمروهای اجتماعی در عمل به تنش‌ها و تضادهایی می‌انجامد که به اشکال مختلف راه را برای رفتارهای ضد قدرت فرودستان باز می‌کند (ص ۱۷-۱۶).

صادقی در ادامه به مروری بر مطالعات تهی‌دستان پرداخته و به این نکته اشاره کرده که بینش نظری حاکم بر این کتاب متأثر از آثار آصف بیات استاد دانشگاه ایلینوی در آمریکای شمالی است که در آثارش به سیاست فرودستان و تهی‌دستان شهری تأکید دارد. در واقع باتوجه به این نکته که نتایج مطالعه بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی» مربوط به سال‌های پیش و پس از انقلاب ۵۷ است نویسنده به این مسئله اشاره می‌کند که: «وقوع برخی تحولات اجتماعی در دهه‌های اخیر، مواد و مفاهیم تحلیلی جدیدی را به دستگاه فکری او وارد کرده که منجر به صورت‌بندی نظریه «پیشروی آرام مردم عادی» شده است (ص ۱۸)». نظریه‌ای که به نظر می‌رسد شاکله اصلی مفصل‌بندی نظری این کتاب به‌شمار رود، چرا که در پایان این بخش نویسنده بر این موضوع تأکید می‌کند که: «آنچه زندگی اجتماعی محروم‌شدگان شهری را توصیف می‌کند اساساً پرکتیس «زندگی روزمره» است: یک هستی اجتماعی که با خودمختاری، انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی توصیف می‌شود (ص ۳۱)».

صادقی در همین فصل در توضیح «عمل روزمره» به نظریه بیات ارجاع می‌دهد و به این نکته اشاره می‌کند که:

اقتصادهای نولیبرال، تهی‌دستان شهری را به انتخاب استراتژی عملی «پیشروی آرام» سوق داده است. به این معنا که آنها نه به شیوه‌های رسمی که عمدتاً از آنها طرد شده‌اند، بلکه با فعالیت‌های عادی روزمره در قلمروهای «غیررسمی» حضور خود را برای بهبود زندگی‌شان ابراز می‌کنند (ص ۳۴).

فعالیت‌هایی که می‌توانند نهایتاً تغییراتی در پیکره شهر به وجود آورند. تغییراتی که نه با کردارهایی چون بسیج و اعتراض که با اعمال روزمره پدید می‌آیند، اعمالی نظیر طفره رفتن، سمبل‌کاری، پنهان‌کاری، مخالفت‌های یواشکی، خرابکاری، تزویر و خدعه، شایعه پراکنی، غیبت‌های مغرضانه، غرولند و نوشتن نامه‌های اعتراضی بی‌نام و نشان که نویسنده به نقل از جیمز سی اسکات (James C.Scott)، بدان‌ها اشاره کرده‌است (ص ۳۶-۳۷).

در پایان این فصل صادقی، روش‌شناسی مطالعه خود را با جزئیات بیشتری توضیح داده که در بخش‌های بعدی مفصل درباره آن سخن خواهیم گفت.

اما فصل دوم این کتاب با عنوان «پوپولیسم و نولیبرال» که به نوعی رویکرد نظری حاکم بر این کتاب را توضیح می‌دهد می‌کوشد تا با بهره‌گیری از رویکردی تاریخی از سال‌های پس از انقلاب تا دوران مورد نظر در تحقیق، نشان دهد که پوپولیسم سیاسی، مهم‌ترین و فراگیرترین نیروی پیش‌برنده نولیبرالیسم بوده‌است چرا که دولت‌ها با آنچه نویسنده کتاب پوپولیسم نولیبرال می‌نامد: «تا سر حد ممکن از مسئولیت‌های اجتماعی خود عقب‌نشسته‌اند و بیش از پیش تأمین نیازهای تهی‌دستان را به بازار سپرده‌اند (ص ۴۴)».

صادقی از سال‌های ابتدایی پس از انقلاب و سال‌های جنگ و همچنین دولت اصلاحات و دولت نهم اشارات و مثال‌هایی می‌آورد که همگی نشان‌گر این نکته‌اند که دولت‌ها یکی پس از دیگری بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری سودآور ترغیب کرده‌اند و این در حالی است که به دلیل تفوق سرمایه تجاری و نامولد، کسب و کارها معطوف به سوداگری و دلالی، خدمات و املاک و مستغلات شدند و همچنین خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی نه تنها مسئله رفع بیکاری را پیچیده‌تر کرد که موجب ناامنی شغلی و اخراج گسترده کارگران در نتیجه امکان استفاده از نیروی کار غیررسمی شد و شهر بیش‌ازپیش به نفع ثروتمندان توسعه یافت (ص ۴۹-۵۱).

این‌گونه بود که به بیان نویسنده تهی‌دستان از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا نارضایتی خود را به وضعیت کار، مسکن، تورم و محل زندگی‌شان نشان دهند که ناآرامی‌های بزرگ در تهران، شیراز، مشهد، اراک و خرم‌آباد از نمونه‌های معروف شورش تهی‌دستان در اوایل دهه هفتاد و ... همچنین شورش خیابانی مردم منجیل‌آباد و مسدود کردن جاده‌ها توسط آن‌ها در ماه‌های پایانی دولت اصلاحات از این دست واکنش‌ها به شمار می‌رود (ص ۶۱-۵۸).

سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ که سال‌های مورد بحث در این اثر به شمار می‌رود و در آن اصلاح‌طلبان به حاشیه رفته بودند، دورانی است که پوپولیسیم در آن شخصی‌گرایانه می‌شود، به این معنا که محمود احمدی‌نژاد به عنوان «رئیس‌جمهور فقرا و ضعفا» با شعار حمایت از طبقات پایین و با سردادن وعده‌هایی برای بهبود زندگی آنها، آنان را به اتحاد با خود فراخواند (ص ۶۲-۶۱)، دوره‌ای که نویسنده رویکردها و مناسبات پیوسته با آن را با عنوان «احمدی‌نژادیسیم» توصیف می‌کند که با انقلاب اقتصادی ناشی از «هدف‌مند کردن یارانه‌ها» و بسیج آرام تهی‌دستان پیوند می‌خورد:

دولت و متحدانش که با چنگ انداختن به عناصر پوپولیسیم انقلابی به قدرت رسیده بودند، این بار کوشیدند تا با پیوند زدن برنامه آزادسازی به همان عناصر همراهی تهی‌دستان را به دست آورند... بر این مبنا ادعا شد که این برنامه، «کمک به محرومین»، «خدمت به پابرهنگان»، «مقابله با اشرافی‌گری» و «بزرگ‌ترین مبارزه با فساد اقتصادی» است (ص ۷۱-۷۰)

اما پس از آزادسازی و با شدت گرفتن نارضایتی عمومی از اوضاع معیشتی و اقتصادی، نمایندگان مجلس و روحانیون، زبان اعتراض مردم «نجیب» و «شریف» شدند و دولت را برای بهبودبخشیدن به وضعیت تورم، بیکاری و تنگ‌دستی در جامعه تحت فشار گذاشتند (ص ۷۴).

این‌گونه بود که بیان نویسنده تا اوایل دهه هشتاد خورشیدی و در مدتی کمتر از سه دهه از مجموع بیش از: «۵۰ درگیری و شورش شهری، افزون بر ۴۰ مورد در سکونت‌گاه‌های غیررسمی ... از جمله مناطق حاشیه‌ای و جنوب تهران رخ داده بود (ص ۷۵)».

در جمع‌بندی این فصل به این نکته اشاره شده که بی‌نتیجه‌ماندن اعتراض‌های فردی و جمعی کارگران به تضييع حقوقشان، به ناگزیر آنها را بی‌آنکه خود بخواهند به میدان منازعه

جدید کشیده بود که به طور روزمره در شهر برقرار بود: «حاشیه‌نشینان به نحوی عمل‌گرایانه در کنار اقدامات مستقیم خود، به جستجوی جلب حمایت خیرین و مقامات حکومتی برآمدند و فعالیت‌های خودیاری و همیاری را با حرکت‌های تصرف‌گرایانه کوچک و بزرگ درآمیختند.»

و این مقدمه‌ای به شمار می‌رود برای ورود به فصل بعدی که با عنوان «خیریه‌ای شدن بقا» می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه با افول رادیکالیسم اقتصادی دهه شصت، خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در سال‌های ریاضت اقتصادی از تهی‌دستان شهری حمایت کردند. نویسنده تلاش دارد با ارائه فکت‌هایی جایگاه مؤسسات خیریه در ایران را از ابتدای انقلاب تا دولت احمدی‌نژاد و طرح آزاد سازی یارانه‌ها تبیین کند. در این فصل با توضیح کاهش تدریجی وسعت معنای لفظ «مستضعف» از ابتدای انقلاب تا کنون به این نقل قول از تلویزیون جمهوری اسلامی اشاره می‌شود که: «این‌که در فرهنگ عمومی کلمه مستضعف را به عنوان ارزشی پایدار تقویت کنیم می‌تواند بدآموزی‌های هراسناکی به فرهنگ عمومی و اقتصاد کشور تحمیل کند (از گفتگوی محمد نهاوندیان در صدا و سیمای جمهوری اسلامی، سال ۱۳۸۸، ص ۸۷).»

نویسنده معتقد است که حضور این رویکرد موجب شد که: «هویت و موجودیت اقشار فرودست به مقولاتی به مراتب محدود شده، خنثی و کم‌تر سیاسی نظیر «آسیب‌پذیر، کم‌درآمد، و نیازمند برگردانده شود که به لحاظ سیاسی و اقتصادی هزینه کم‌تری برای دولت داشته است (ص ۸۷).»

نتیجه اینکه سازمان بهزیستی و کمیته امداد به عنوان دو سازمان رسمی کمک به تهی‌دستان «مددجویان» خود را محدود کرده و همین امر باعث شد که جمعیت بزرگی از فرودستان، هرچند از پس مخارج خود بر نمی‌آیند اما به خود تکیه کنند و این آغاز شکل‌گیری مجموعه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها در تهران و سپس در سراسر ایران شد که به نحوی مسالمت‌آمیز تلاش می‌کردند بخشی از ثروت برخورداران را میان نیازمندان تقسیم کنند و به نوعی کمبودها و نیازهای اساسی آنان از جمله آذوقه، پوشاک، درمان، تحصیل، مسکن، اسباب و اثاثیه زندگی و پول نقد برطرف کنند (ص ۹۴-۸۹).

او در جمع‌بندی بحث خود در این فصل با اشاره به سه کارکرد خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد برای حکومت از جمله ساخت زیستی بخور و نمیر برای ندارها، کاستن یا تلطیف

تضادهای طبقاتی و همچنین حفظ نظم شهر که با محبوس شدن حمایت‌شوندگان در خانه‌ها و مکان‌های کنترل شده اتفاق افتاده بود، به این نتیجه رسیده که اتفاقاً این کارکردها در خدمت پیشبرد اهداف نولیبرال دولت و کاستن از هزینه‌های اجتماعی و سیاسی آنها عمل کرده اند: «وقتی خیریه‌ها نتوانستند دست‌درازی بازار را به معیشت تهی‌دستان جبران کنند، حمایت‌شوندگان به استراتژی «پیشروی آرام» برای کار کردن و گذراندن زندگی به خیابان‌ها آمدند و ناخواسته رو در روی حامیان بالقوه و بالفعل خود قرار گرفتند (ص ۱۳۰)».

اما در فصل چهارم که روایت تهی‌دستان از آغاز دهه نود به این سو است نویسنده تلاش می‌کند با اشاره به «مبارزات آرام هر روزه تهی‌دستان در کوچه پس‌کوچه‌های محلات فقیر نشین» نشان دهد که: «چگونه مردم عادی با مخالفت‌ها و مقاومت‌های پراکنده اما فراگیر، دولت را هرچند موقت وادار به عقب‌نشینی کردند و با کسب امتیاز از فرادستان تاحدی از حجم فشارهای اقتصادی بر خود کاستند (ص ۱۳۱)».

این فصل

دفاع از روشنایی خانه‌ها» نام دارد و به اعتراض‌ها و مخالفت‌های مردمی می‌پردازد که در ماه‌های نخست آزادسازی نسبت به افزایش قیمت بهای خدمات شهری صورت می‌گرفت، حرکتی که می‌توانست بهای سنگینی برای مرتکبین آنها نیز داشته باشد اما: «مخالفت‌های مردمی اقتصاد شهری را مختل کرد. امتناع تهی‌دستان از پرداخت به موقع قبوض مصرفی به سرعت به بحرانی جدی برای دولت و مجلس تبدیل شد... و این در حالی بود که دولت برای پرداخت یارانه‌های نقدی با کمبود بودجه مواجه بود (ص ۱۳۵)».

نویسنده بر این باور است که امتناع تهی‌دستان از پرداخت صورت‌حساب‌های خدمات شهری نه تنها مبارزه‌ای جمعی و آگاهانه برای متوقف کردن برنامه‌ی آزادسازی و یا مقابله سیاسی با دولت نبود بلکه نشان دهنده تقلای آنان برای کسب دست‌آوردهای فوری به‌حساب می‌آمد. اما با این حال چنین «ناجنبش‌های» به شکل مقاومت‌های روزمره فردی و پراکنده در مناطق فقیر نشین روند آزادسازی را مختل می‌کرد (۱۵۴-۱۵۳).

علیرضا صادقی در فصل پنجم کتاب حاضر با عنوان «خودمانی‌سازی بازار» به شیوه خرید گروه‌های کم درآمد می‌پردازد که منابع و نهایتاً انتخاب کمتری برای مصرف کالا و

خدمات در اختیار دارند. در واقع سؤال اصلی در این فصل این است که: «در غیاب کانال‌های حمایتی، تهی‌دستان در واکنش به پیشروی بازار کدام استراتژی معیشتی را برای خرید کالا و خدمات مورد نیازشان پی می‌گیرند؟» (ص ۱۵۶).

نویسنده از اصطلاح «بازار خودمانی» برای توضیح این استراتژی استفاده می‌کند که در دوگانه‌هایی چون «گران/ارزان» یا «خرید/تعمیر»، «آزاد/دولتی» و «نقدی/نسیه» تعیین می‌شود: «اما در این میان خرید نسیه مهم‌ترین سیاست معیشتی تهی‌دستان برای بقا است که می‌تواند دوگانه‌های دیگر را به هم بیامیزد (ص ۱۵۶)».

بازار خودمانی هم دقیقاً ارجاع به همین شیوه خرید به شکل قسطی دارد که به گروه‌های کم‌درآمد کمک می‌کند تا در بازاری منعطف‌تر و تقریباً غیر رسمی و خودمانی نیازهای ضروری‌شان را به شکلی آبرومندانه برطرف کنند (ص ۱۵۷-۱۵۶). از این روست که به بیان نویسنده با وجود گذر از سیاست‌های ریاضتی دهه شصت هنوز هم دوران «خرید مبتنی بر ضرورت» پایان نیافته و دفترهای نسیه بقالی‌ها موضوعیت و کارکرد خود را از دست نداده‌اند و تبدیل به سازوکاری حیاتی برای بقای جمعیت بزرگی از تهی‌دستان شده‌اند (ص ۱۸۶-۱۸۷).

«پیشروی در روزهای سخت» که عنوان فصل ششم کتاب حاضر است به سکونت‌گاه‌هایی می‌پردازد که حاشیه‌ای، غیرقانونی، غیرمجاز، نابسامان و غیر رسمی خوانده می‌شوند: «سکونت‌گاه‌هایی که در واقع تمهیدی به شمار می‌روند که کم‌درآمدها برای دستیابی به سرپناه از آن استفاده می‌کنند چرا که از عهده تهیه آن در بازار متعارف مسکن بر نمی‌آیند (به نقل از اطهاری ص ۱۸۹)». از این روست که در این فصل نویسنده با رویکردی تاریخی و ارائه مثال‌هایی از دهه شصت تا نود، به سیاست‌هایی که تهی‌دستان برای ساختن سرپناه یا بهبود بخشیدن به خانه‌هایشان به کار می‌برند پرداخته‌است: «در سال‌های اخیر گروهی از تهی‌دستان توانسته‌اند خارج از ترتیبات قانونی از جمله برقراری روابط شخصی با مقامات محلی، توافق پولی غیرقانونی با شهرداری و پرداختن رشوه، خانه‌هایشان را توسعه داده و یا بهبود بخشند (ص ۲۳۱)».

فصل هفتم کتاب با عنوان «موتورسواران معیشتی: شورشیان جدید خیابان» به زندگی اشخاصی می‌پردازد که پس از بیکاری گسترده‌ای که از پی تعطیل شدن کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی برایشان پدید آمده بود، به موتور سواری و در واقع جابجایی مسافر و

کالا با موتورسیکلت پرداخته‌اند. نویسندگان به این گروه از افراد «شورشیان جدید» خیابان می‌گویند، آنها را گروه معیشتی جدیدی معرفی می‌کند که: «ویژگی‌های متمایزی را در زمینه اشغال فضای شهری، شیوه‌های امرار معاش، روابط با طبقات و گروه‌های اجتماعی و رویارویی با چالش‌ها و نیروهای نظم شهری دارند (ص ۲۳۵)». نویسندگان تلاش می‌کند در این فصل نشان دهد که این گروه از تهی‌دستان چگونه در شهر پیشروی و در واقع امرار معاش می‌کنند، آنها به خیابان‌ها هجوم می‌آورند و از فضای عمومی شهر به شکلی فعالانه بهره می‌جویند، شکلی از پیشروی و مقاومت که لزوماً همیشه هم برایشان مزیت به‌همراه نداشته‌است (ص ۲۶۳-۲۶۲).

اما فصل پایانی کتاب با عنوان «بازاری شدن فزاینده فضاهای غیر رسمی» سعی دارد دیالکتیکی بودن فعالیت‌های صورت گرفته در قلمروهای غیررسمی را در برابر بازار و نهادهای دولتی توضیح دهد: «روایت‌های این کتاب نشان می‌دهد که اقبال پایین جامعه در کارزاری دائمی با رژیم خلع ید نولیبرال کوشیده‌اند تا به بقای خود ادامه دهند (ص ۲۶۶)». آنها با یاری گرفتن از خیریه‌ها، کارشکنی در بازپرداخت قبوض خدمات، بهره‌گیری از بازارهای خودمانی و غیر رسمی، هجوم به خیابان‌ها با موتورسیکلت و ... شیوه‌های خاصی از زندگی را خلق و به مرکز تحمیل کرده‌اند: «حضور و مبارزه مستمر موتورسواران معیشتی در پایتخت و دیگر شهرها آشکار می‌کند که شهر نولیبرال فقط با منطق غارت‌گری کار نمی‌کند، بلکه شهر، شهر تهی‌دستان هم هست (ص ۲۷۱)».

۳. توصیف و نقد روش‌شناسی کتاب

همچنان که از محتوای کتاب آشکار است، نویسندگان با بیان این نکته که این مطالعه در حوزه مطالعات مردم‌نگارانه قرار می‌گیرد از تلاش خود برای ثبت «داستان زندگی» آدم‌ها سخن گفته و پیوند آنها با ساخت‌های کلان و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی زمانه. از این روی صادقانه کوشیده‌اند تا بر اساس آنچه کرسول رویکرد «تور بزرگ» می‌نامد: «محیط‌ها، اشخاص یا وقایعی انتخاب شوند که اطلاعات مفیدی درباره زیست تهی‌دستان به دست می‌دهند (ص ۳۹)».

نهایتاً برای دستیابی به نتیجه بیش از ۱۴۰ گفتگوی کوتاه و بلند انجام شده و هم‌چنین بیش از ۱۵۰ نامه از مجموع نامه‌هایی که تهی‌دستان برای مقام‌های دولتی از جمله فرماندار،

استاندار و رئیس جمهور نوشته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته‌است. علاوه بر اینها برای تکمیل داده‌ها محقق از داده‌های جمع‌آوری شده از روش پیمایش که در محله‌های تهیدست‌نشین حاشیه تهران به دست آمده‌اند نیز بهره برده است.

این‌گونه است که مشخص می‌شود کتاب از طریق روش تحقیق ترکیبی کار خود را به‌جلو می‌برد. از یک‌سو از تحلیل اسناد استفاده می‌کند و از دیگر سو سراغ روشی نزدیک به اتنوگرافی می‌رود. به لحاظ روش شناسی نویسنده تکنیک‌های متفاوتی از جمع‌آوری اطلاعات را به‌کار می‌گیرد که در نوع خود نوآورانه است. عمدتاً در روش تحقیق گفته می‌شود که از نوعی تکنیک مثلث‌سازی بهره برده شده‌است. از این روی باید گفت نویسنده به خوبی ابعاد مختلف داده را در نظر گرفته است. برای مثال، هم از نظرسنجی‌های موجود در جوامع مورد مطالعه استفاده و هم به تحلیل محتوای نامه‌هایی پرداخته شده که در سفرهای استانی رئیس جمهوری نوشته شده‌اند. مصاحبه کیفی با افراد ساکن در محلات مورد مطالعه روش دیگر کار بوده است. جدای از این منابع، نویسنده سراغ برنامه‌ها و قوانینی مانند هدفمندی یارانه رفته و تاثیر چنین برنامه‌هایی را در زندگی تهی‌دستان شهری دنبال کرده است. استفاده از منابع مکتوب در گزارش‌های مطبوعاتی راهی دیگر برای تکمیل منابع تحقیق بوده است. در آخر جدای از بررسی تحقیقات گذشته محقق از روش بینامتنیت هم استفاده کرده است و منابع بصری چون فیلمها را در تحلیل خود در نظر داشته است.

اما نکته‌ای که درباره روش شناسی کار قابل ذکر است، این است که هر چند محقق داعیه مردم‌نگاری دارد (همچنان که در صفحه ۳۹ کتاب اشاره می‌کند که رویکرد میدانی مورد نظر او مردم‌نگاری است) اما روش به‌کار برده شده برای دستیابی به نتیجه صرفاً مردم‌نگاری نیست. چرا که بسیاری از تکنیک‌های به‌کار گرفته شده از جمله مطالعات اسنادی و استفاده از پرسشنامه در دایره یک مطالعه مردم‌نگارانه قرار نمی‌گیرند. این‌طور به‌نظر می‌رسد که محقق، دست به مصاحبه زده و از داستان‌های زندگی می‌گوید؛ اما خواننده را از شیوه‌های دستیابی به اطلاعات در این مصاحبه‌ها که باید از طریق مشاهدات مشارکت‌جویانه و حضور او در میدان مطالعه حاصل شوند، مطلع نکرده است. نکته این‌جاست که یک مطالعه مردم‌نگارانه با مشاهده مشارکتی و حضور محقق در میدان و توصیف جزئیات تجربه روزمره او در میدان تحقیق است که تحقق می‌یابد. مطالعه

مردم‌نگارانه مطالعه‌ای فضامند است که از مصاحبه و پرسشنامه و مطالعه اسنادی، پافراتر گذاشته و با تجربه بی‌واسطه زندگی در میان مردمان موضوع مطالعه، ایجاد رفاقت و کسب اعتماد دوباره از آنها شکل می‌گیرد. روندی که هرچند بر اساس ادعاهای مقدماتی نویسنده‌ی کتاب انتظار می‌رفت که صورت گرفته باشد اما داده‌های حاضر با وجود تنوع و گستردگی، کماکان از فاصله محقق و میدان تحقیق حکایت دارند.

۴. نقد شکلی اثر

کتاب حاضر از صفحه‌آرایی قابل قبولی برخوردار است که از شیوه استاندارد کتاب‌های انتشارات آگاه پیروی می‌کند. استفاده از کاغذ گاهی، وزن آن را سبک و حمل و نقل آن را آسان کرده است. متن کتاب به خوبی ویراستاری شده و غلط املائی یا تایپی در آن دیده نمی‌شود. از آنجاییکه کتاب زیرنویس‌های بسیار زیادی دارد، اشاره به این نکته ضروری است که زیرنویس‌ها نیز به دقت ویرایش شده و از استاندارد مطلوبی برخوردارند. کتاب، هفت فصل اصلی و یک جمع‌بندی دارد که هر یک از فصول به لحاظ حجمی از میزان تقریباً مشابهی برخوردار هستند و بخش‌هایی چون مقدمه و نتیجه‌گیری در تمامی آن‌ها ارائه شده است. اما نویسنده از نثری کاملاً خشک و علمی برای نگارش کتاب خود بهره برده که همین امر خواندن آن را دشوار می‌سازد. به این شکل که هر چند مثال‌ها و نمونه‌های بسیار خواندنی در این کتاب گنجانده شده اما مواجهه خشک نویسنده به لحاظ نثری با این مثال‌ها، از جذابیت آنها کاسته است.

۵. نقد محتوایی اثر

هم‌چنان که در مقدمه این نوشته اشاره شد، زندگی روزمره تهری دستان شهری در دهه ۹۰ در کانون بحث کتاب قرار دارد. نویسنده در کتاب ادعا شده که در دهه‌های اخیر در نتیجه سیاست‌های اقتصادی، طبقات فرودست شکل زندگی متفاوتی یافته‌اند و جمعیت قابل توجهی از جامعه به خصوص جامعه شهری را در بر گرفته‌اند. در اینجا نویسنده معتقد است که زندگی تهری دستان شهری را باید فراتر از دوگانه تسلیم/شورش به کار برد و در ادامه کوشیده این مسیر متفاوت را که به تعبیری مقاومت نامیده می‌شود به عنوان راهی برای دگرگون کردن محیط فرودستان، بدون انقلاب و یا اعتراض توضیح دهد. اما

آیا مسیری که پژوهشگرانی پیش از این مانند آصف بیات به عنوان مقاومت نامیده‌اند، در عمل می‌تواند به مثابه راه حل مشکل فرودستان در نظر گرفته شود؟ همچنین، فراتر رفتن از دوگانه تسلیم/شورش غیر از مقاومت، یک راه کلاسیک هم دارد به نام انقلاب که نویسنده آن را از دایره بحث خود خارج کرده است.

اگرچه به‌کارگیری رویکرد نظری آصف بیات می‌تواند روشنایی زیادی بر موضوع مطالعه حاضر بیافکند اما محقق برخلاف این رویکرد نظری در نشان دادن جزئیات همیاری‌های درون شبکه فرودستان موفق عمل نکرده است.

فرودستان در این کتاب استراتژی‌های زیر را اتخاذ کرده‌اند(ص ۸۲):

- مبارزه و شورش در خیابان
- دستفروشی و تصرف خیابان و مشاغل غیر رسمی
- استفاده رایگان از امکانات دولتی و ساخت سکونتگاه‌های غیر رسمی
- درآمیختن فعالیت خودیاری و همیاری با حرکت‌های تصرف گرابانه کوچک و بزرگ

در نگاه اول گویا مقوله فرودستان یکپارچه دیده شده و اقدامات برخی بر برخی دسته دیگر سوار شده است و در مرتبه دوم، همه اقدامات در یک سطح نیستند، دستفروشی که نوعی اقدام برای درآمدزایی اقشار تهی دست است با تملک زمین‌های شهری یکی پنداشته می‌شود. نکته اینجاست که ما در این کتاب هیچ وجه انتقادی به خود فرودستان شهری نمی‌بینیم و به نحوی هرگونه اقدام از سمت آنان به عنوان عملی مقاومت‌آمیز ستایش می‌شود. در واقع این گونه هم می‌توان گفت که نویسنده در برخی جنبه‌ها، مقاومت را به نافرمانی مدنی تقلیل داده است. نمونه‌هایی چون زدن قوانین، استفاده از منابع انرژی رایگان از راه‌های غیرقانونی مانند سیم‌کشی غیرقانونی برق، پرداخت نکردن قبوض بیش‌تر به نافرمانی مدنی شبیه است تا مقاومت. بدین ترتیب اگر هرگونه نافرمانی از سوی طبقات تهی‌دست تطهیرسازی شود، آن وقت ما هیچ معیاری برای مفهوم مقاومت در اختیار نخواهیم داشت.

نکته دوم به ارتباط میان سیاست‌های فقیرسازی جامعه با سیاست‌های دولتی پوپولیستی ارجاع دارد. نویسنده تأکید دارد که قرار است از یک‌سو، جنبه‌های مقاومت مردمی در

زندگی روزمره و از دیگر سو مخاطرات پوپولیسم را یادآور شود که: « پوپولیسم سیاسی از قضا مهمترین و فراگیرترین نیروی پیش برنده نولیبرالیسم بوده است. به عبارت دیگر، دوگانه ساختگی پوپولیسم/نولیبرالیسم در عمل همزیستی و حتی هم افزایی میان این دو را پوشیده نگه داشته است (ص ۴۵)». اگرچه کتاب مملو از شواهدی بسیار درباره مقاومت‌های به اصطلاح تهی‌دستانه است اما حقیقت این است که چندان به مخاطرات این پوپولیسم نپرداخته است.

در این کتاب ما با شواهد بسیاری بر ابعاد مقاومتی میان مردمان فرودست مواجه می‌شویم: « در دورانی که زنان و مردان طبقه متوسط شهری برای آرمان «جامعه باز» تقلا می‌کردند، تهی‌دستان برای بقاء درون «جامعه بازار» می‌جنگیدند (ص ۵۷)». یا این‌که «مبارزه تهی‌دستان به معابر عمومی نیز کشیده می‌شد، جایی که جمعیت انبوهی از بیکاران به مشاغل غیررسمی خیابانی روی می‌آوردند (ص ۵۸)». یا درجای دیگری گفته شده است: «تهی‌دستان از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا نارضایتی خود را به وضعیت کار، مسکن، تورم، و محل زندگی شان نشان دهند... نمونه‌های معروف شورش تهی‌دستان در اوایل دهه هفتاد است (ص ۵۹)». در عوض اشاره کمی به استفاده از نیروی پوپولیسم در دولت احمدی نژاد شده است (ص ۶۲).

نکته سوم، این پرسش را باید طرح کنیم که نویسنده چه کسانی را در زمره فرودستان مطالعه کرده و در مقابل از چه گروههایی از فرودستان غفلت کرده است؟ افرادی که در این کتاب مطالعه شده‌اند گروههای زیر را در برمی‌گیرند:

- حمایت شدگان خیریه‌ها
- کارگران غیررسمی خیابانی
- تصرف کنندگان زمین و املاک در مناطق فقیرنشین
- و کسانی که به سختی از پس تامین مایحتاج زندگی روزانه خود بر می‌آیند (ص ۱۱).

اگر نگاهی بدین دسته‌بندی بیاندازیم متوجه هم‌پوشانی برخی گروه‌ها با یکدیگر می‌شویم، مانند اینکه ممکن است تصرف کنندگان زمین در مناطق فقیرنشین با کارگران غیر رسمی خیابان ها تداخل داشته باشند. همین طور گروههایی از تهی‌دستان که

در مطالعه حاضر نیامده‌اند نیز مورد پرسش ما قرار می‌گیرد. اینکه ملاک تعیین گروه‌های تهی‌دستان در این مطالعه چه بوده است؟ نکته مهمتر اینکه در شکل کلی این دسته بندی به نوعی مردانه تلقی می‌شود و اشکال زنانه فرودستی را به حاشیه می‌راند، مانند دست‌فروشان مترو و کارگران خدمتکار خانه و پرستاری و مشاغلی مانند بسته بندی مواد غذایی و همین طور کودکان کار نادیده گرفته شده‌اند.

نکته چهارم در نقد کتاب به غفلت نویسنده به اقتصاد سیاسی بر می‌گردد. موضوعاتی چون زیاله جمع کنی، دستفروشی یا پیکهای موتور یا مشاغلی چون پارکبانی در پشتش نوعی از اقتصاد سیاسی نهفته است که بیش از آنکه به مقاومت مرتبط باشد در ادامه سازوکار سلطه و بازتولید فقر باید درک شود. یا اینکه مشاغلی چون موتور سواری نه «شورش در خیابان» بلکه تلاش برای بقا در شرایط بسیار مستأصل کننده است. اگر آن را شورش و تصرف خیابان بدانیم آن گاه ناچاریم وضعیت فقرا را مثبت یا تحول یابنده تصور کنیم اما اگر آن را صرفاً تلاش برای زیستن بدانیم همین تاکتیک‌های بقا نوعی تداوم فرودستی و فقیرسازی تصور خواهد شد. از این روست که نویسنده به گمان ما برخطاست وقتی می‌نویسد که تهی‌دستان به شکل «عمل گرایانه، محتاطانه، آرام و عمدتاً فردی» زندگی شان را بهبود بخشیدند. مثلاً «موتورسواران معیشتی به خیابان‌ها هجوم آوردند و فضاهای شهری را برای امرار معاش خود به اشغال درآوردند (ص ۲۶۸)». و این درحالی‌ست که آنها زندگی شان را نه تنها بهبود بخشیده‌اند بلکه موقعیت فرودستانه خود را نیز تحکیم بخشیده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به نوع نگاه نویسنده به زندگی فرودستان شهری و راهکارهای بقایشان، می‌توان این‌گونه پنداشت که کتاب نه تنها نگاهی پاستورال و مثبت به زندگی فقرا دارد بلکه بسیاری از اقدامات خرابکارانه و غیرقانونی آنها را بخشی از مقاومت آنها تلقی می‌کند. نوعی از تلقی که می‌تواند به نوعی توجیه و حق‌دادن به نافرمانی‌های مدنی فرودستان به شمار رود. مقاومت در این دیدگاه همراه است با مفهوم نافرمانی مدنی و نه ضرورتاً اقدامات فعالانه، خلاقانه یا پیشروانه. همین طور مقاومت در این دیدگاه نباید به معنای بهبود زندگی تهی‌دستان فهم شود، بلکه بیشتر، فهم کتاب از زندگی فقرا را باید به عنوان بخشی از

خوانش طبقات مسلط از تهی‌دستان جای داد. ناگفته نماند که این دست نافرمانی‌های مدنی در جامعه ایران مختص به فرودستان نیست که اتفاقاً تجربه زیسته نشان می‌دهد که این‌گونه اقدامات به اشکال گوناگون از جمله فرارهای مالیاتی و یا تغییر درجه کتورهای آب‌وبرق در طبقات متوسط و بالای اجتماع نیز دیده می‌شود. برای گریز از نگاه پاستورال به این موضوع شاید لازم باشد نویسنده از سطح فردی به سطح ساختارها و روابط نهادی بپردازد و مناسبات ناعادلانه را در آن سطح بررسی کند. به طور کلی دیدگاه انتقادی نویسندگان این مقاله را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

- گریز از معصوم جلوه دادن تهی‌دستان شهری

- تفکیک مقاومت با نافرمانی مدنی

- توجه به شبکه‌های روابط تقویت کننده درون زندگی تهی‌دستان

- و در نهایت توجه به اقتصاد سیاسی و سطوح ساختاری فقیرسازی

اما لازم به ذکر است که انتقاد از ابعاد مغفول کار به هیچ وجه به معنای فروگذاردن ارزش کتاب «زندگی روزمره تهی‌دستان شهری» نیست. چرا که توجه به مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است نشان می‌دهد که علیرضا صادقی یکی از جدی‌ترین مطالعات را در این حوزه در دهه ۹۰ انجام داده است. مطالعه‌ای که می‌تواند به عنوان الگویی برای مطالعات دیگر در نظر گرفته شود. همین طور محقق توانسته است منابع متعددی را برای پژوهش خود به کار گیرد و آنها را در گزارش خود درهم آمیزد. توجه به جزئیات زندگی تهی‌دستان شهری حُسن دیگر تحقیق بوده است که صادقی توانسته از میان لایه‌های متعدد نامه‌ها، گزارشات مطبوعاتی، تحقیقات پیشین و مصاحبه‌ها به تصویر بکشد.

کتاب‌نامه

ایثاری، مریم و علی‌رضا شجاعی‌زند (۱۳۹۹)، «زمینه‌ها و فرآیندهای شکل‌گیری زیست غیررسمی زباله‌گردی: مطالعه موردی کارگران افغانستانی در ایران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۸، ص ۶۳-۹۵

نقدی بر کتاب زندگی روزمره ... (بهارک محمودی و عباس وریج کاظمی) ۳۹۹

پروین، ستار، محمد رحیم صفری و عبدالحسین کلانتری (۱۳۹۳)، «تجربه روزمره کارگران میادین میوه و تره بار: با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی»، فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱، پاییز ۹۳، ص ۲۰۵-۱۷۳

تقفیان، سپیده (۱۳۹۸)، در تقاطع سنت، فقر و جنسیت: یک مردم‌نگاری چندمیدانه در جنوب شهر تهران، تهران: انتشارات خرد سرخ

جمعی از کارگران پروژه‌های جنوب (۱۳۹۴)، کارگران پروژه‌های، کاری از گروه پرسه (processgroup.org)

شهرام‌نیا، امیرمسعود، محمد کوراوند و مرضیه فدایی ده‌چشمه (۱۳۹۹)، «نقش‌پذیری توده‌ها و فرودستان در سه رویداد اجتماعی مهم ایران»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، ص ۱۷۱-۱۵۱

صادقی، علیرضا (۱۳۹۸)، زندگی روزمره تهی‌دستان شهری، تهران: انتشارات آگاه
غزنویان، محمد (۱۳۹۵)، تأملاتی در باب خارج از محدوده، استکهلم، تابستان ۲۰۱۵،
نسخه پی‌دی‌اف چاپ شده در وبسایت Praxies.org

فتاحی‌زاده، ابوذر و محمدجواد عبداللهی (۱۳۹۸)، «مسئله عاملیت سیاسی فرودستان در تاریخ فرهنگی: یک مطالعه مقایسه‌ای»، دو فصل‌نامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال بیست و نهم، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۹۸، ص ۲۳۵-۲۵۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی